

## سه تن از مشایخ اجازة علامه مرعشی (ره)

امیرالله شجاعی \*

### چکیده

در این گفتار، سه تن از مشایخ اجازة آية الله سيد شهاب الدين مرعشي نجفي معرفي شده اند که تا کنون کمتر شناخته شده بودند: اول، ملا رحمة الله کرمانی. او فقیه اصولی ادیب بوده که به سبب مخالفت با مشروطه به تهران کوچیده است. نگارنده کتاب شرح مرآتی بحرالعلوم او را شناسانده و در باره نسبت کتاب مفتاح الجنان به او بحث کرده است. دوم، میرزا محمود اهری نجفی که علاوه بر فقه و اصول، در اخلاق نیز جایگاهی داشته است. سوم، ملا محمود بیدگلی کاشانی (متوفی ۱۳۵۰ قمری) که کتابی در باب امامت نوشته است.

### کلیدواژه ها

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین - مشایخ اجازة؛ کرمانی، رحمة الله؛ مفتاح الجنان (کتاب)؛ شرح مرآتی بحرالعلوم (کتاب)؛ اهری نجفی، محمود؛ بیدگلی کاشانی، محمود؛ عالمان شیعه - قرن چهاردهم.

\* پژوهشگر حوزوی و فعال در عرصه میراث مکتوب

شاید بتوان ادعا کرد که در عصر ما، بیشترین کسی که دارای اجازه روایی از علمای شیعه و سنی است، علامه بزرگ شیعه، حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ ق) می باشد، که بحمدالله مجموعه این اجازات در دو کتاب ارزشمند المسلسلات و الاجازة الكبيرة به تفصیل معرفی شده اند. با این همه در ضمن جستجوهای ترجمه نگاری با نامهایی آشنا می شویم که از مشایخ روایی علامه مرعشی می باشند، اما در منابع ترجمه نگاری معاصر به اطلاعات اندکی درباره ی آنها دست می یابیم. در این مجال به بررسی سه تن از آنان می پردازیم.

### ۱. ملا رحمت الله کرمانی

این عالم برجسته، فقیه، اصولی، شاعر و ادیب بزرگ شیعه و از تلامذه علامه میرزا محمد حسن آشتیانی (ره) - از شاگردان ارشد شیخ مرتضی انصاری (ره) - می باشد.

مرحوم علامه طهرانی در کتاب نقباء البشر درباره ایشان می نگارد:

«الشیخ رحمة الله بن علي الكبر الكرمانی، عالم فاضل وأديب كامل. كان من أجلاء عصره في همدان ومن علمائها الأفاضل الأعلام، له آثار منها: وسيلة النجاة في شرح الاثني عشریات. وهي قصائد للسید مهدي بحر العلوم النجفی، ألفه في «۱۲۹۶» وطبع في ۱۳۰۰ والظاهر أنه ادرك هذه المائة ولعله لم يدركها والله العالم»<sup>۱</sup>.

ایشان سپس در استدراکی که در کتاب الکرام البررة می آورد، بخشی از گزارش خود را تصحیح می کند و می نویسد:

«المولى رحمة الله بن علي اكبر الكرمانی عالم أديب، كان من أعلام الفضل ورجال العلم في همدان، وكانت له مكانة بين أهلها ومرجعية لاثقة، له آثار منها نجات العباد في شرح الاثني عشریات في المراثي من مدح العلامة السید مهدي بحر العلوم، وهو شرح فارسي جيد يهيم عن فضل وخبرة، فرغ منها سنة ۱۲۹۶ هـ واعتذر في آخره عن عدم وجود شيعي من كتب اللغة عنده، وقد صدره بيتين ضمنها اسم الكتاب وهما قوله:

۱ نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۲۱.

يا راکض الفلوات في طلب العلی      يا طائف الروضات في شم الزهر  
هذا نجاه للعباد فسنه کالـ      روح التي أعطاک وهاب الصور

وقد ذکرناه في نقباء البشر ص ۷۲۱ واحتملنا بقاءه الى المائة الرابعة عشرة، كما يظهر من طبع کتابه في سنة ۱۳۰۰ هـ الذي وصف علی ظهره بحجة الاسلام والمسلمين ولا یبعد کون وفاته في هذا القرن ولذلك قد اعدنا ذکره في هذا الجزء مع بعض الزيادات والفوائد التي وقفنا عليها اخیراً وقد ذکرنا في النقباء ان اسم کتابه وسیلة النجاة وهو الاسم الذي عنوان به الكتاب عند طبعه، غير انا عثرنا علی نسخة مخطوطة منه سمي علی ظهرها بـ نجاة العباد وهو الصحيح<sup>۱</sup>!

همانطور که ملاحظه می فرمایید اطلاعات ایشان درباره ملا رحمت الله کرمانی اندک است، بگونه ای که حتی ایشان این احتمال را ذکر می کنند که وی قرن ۱۴ هجری را درک نکرده است. اگرچه بعداً از این احتمال عدول می کند و حیات ایشان تا سال ۱۳۰۰ ق را گزارش می کنند. لکن در ادامه معلوم خواهد گردید که وی مسلماً این قرن را درک کرده است و حداقل تا سال ۱۳۱۷ ق که سال فراغت از حاشیه فرائدش می باشد، زنده بوده است و در سال های آغازین مشروطه به علت مخالفت مشروطه خواهان مجبور به هجرت از تهران و سکونت در همدان می گردد.

مرحوم علامه روضاتی در تعلیقه ای که بر طبقات الشیعة علامه تهرانی نوشته است در ذیل نام الشیخ رحمة الله الكرمانی می نویسد:

«عندنا شرح لأبيات الله أكبر ماذا الحادث الجلل وهو الذي سمّاه المؤلف خطأ في المتن وفي الذريعة بوسيلة النجات والرجل صاحب الحاشية على رسائل شيخنا الانصاري وهو مصحح إحدى طبقات مفتاح الجنان في الادعية وقد كتبت شيئاً من احواله علی ظهر نسختنا وله ترجمة اخرى في الكرام البررة، ص ۵۳۷»<sup>۲</sup>.

اما گزارش منحصر بفردي که علامه مرعشی از شیخ روائی خود ارائه داده اند، اینچنین است:

۱ الكرام البررة، ج ۲، ص ۵۳۷ ۵۳۸.  
۲ تعلیقات طبقات اعلام الشیعة، ص ۵۰۱



«هو العلامة الأصولي الفقيه الأديب الآية الظاهرة الملا رحمة الله الكرمانی، كان من مهرة الأصول خريئاً فيه، تلمذ لدى جماعة، منهم: العلامة المحقق الحاج ميرزا محمد حسن الآشتیانی صاحب التعليقة الشهيرة وكان رحمة الله شديد النكير على أمر المشروطة الدستورية الحادثة في إيران حتى راموا قتله فهرب الى العراق وله آثار وتآليف، منها:

الحاشية على كتاب الرسائل وقد طبعت على هوامشه في احدى طبعاته ويناضل غالباً المحقق الخراساني صاحب الكفاية كما هو غير ستير على من سترها.

ومن آثاره: كتاب مفتاح الجنان في الأدعية والزيارات فانه أول من جمعها ورتبها زمن اقامته، ببلدة بمبئي من بلاد الهند، باستدعاء تجرة الكتب ولكن الأسف قد دس فيه في طبعاته الاخيرة ما لم يذكره المؤلف من الامور الضعاف وكان يروي عن جماعة، منهم: العلامة الحاج ميرزا محمد حسين الحسيني المرعشي الحائري وغيره وعنه يروي عدّة، منهم العبد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي ... ۱۳۷۴ هـ»<sup>۱</sup>

از مجموعه اين گزارش های سه گانه و گزارش های ديگر اطلاعات ذيل بدست می آيد:  
 (۱) ايشان فقيهی اصولی و از بزرگان علم اصول بوده و حاشيه ايشان بر کتاب رسائل که به همراه دو حاشيه ديگر از مرحومين آيتين شيخ موسی تبریزی و آقا رضا همدانی چاپ شده است، مؤيد اين مطلب است و از اين جهت در ميان طلاب علوم دينی به حاشيه ملا رحمت الله معروف گرديده است.

(۲) وی شاعر و ادیبی کامل و زبردست بوده و شرح ادیبانه و فاضلانه وی بر مراثی سيد بحر العلوم که دارای عبارات سنگین ادبی و شعری است، نشان از تبحر ادبی ايشان دارد. در ضمن، تکمله ايشان بر اين مراثی بيانگر تسلط وی در شعر و سرودن اشعار عربی می باشد.  
 (۳) وی شاگرد اصولی بزرگ شيعه، علامه ميرزا محمد حسن آشتیانی (وفات ۱۳۱۹ ق) - از اجلاء تلامذه طبقه اول شيخ اعظم انصاری - بوده، که مدت ها در تهران عهده دار تدريس کرسی فقه و اصول بود و عالم اول اين شهر محسوب می گرديد و شايد بتوان گفت حواشی ملا رحمت الله بر کتاب رسائل که بیشتر در ردّ نظرات صاحب کفايه آخوند خراسانی می

۱ وسائل المحشى، ص ۱ و موسوعة العلامة المرعشى، ج ۳، ص ۱۱۴

باشد، متأثر از آرای استاد بزرگوارش می باشد و ایشان در این حاشیه بیشتر بدنبال حمایت از آراء مدرسه اصولی شیخ انصاری در مقابل آرای آخوند خراسانی بوده است.

۴) سکونت ایشان در تهران و آغاز ماجرای مشروطیت، ایشان را به موضع گیری در برابر این جریان کشانده است. وی یکی از مخالفان جریان مشروطه در ایران می گردد و کار را تا آنجا پیش می برد که مخالفان ایشان و حامیان جریان مشروطه، در صدد قتل وی برآمده و توطئه قتل ایشان را می کشند. ایشان برای رهایی از این امر به عراق هجرت می کند. بنظر می رسد این حوادث در همان برهه زمانی که شیخ شهید شیخ فضل الله نوری، یعنی حوالی سال ۱۳۲۷ ق به شهادت رسیده بوده باشد. بنظر می رسد مخالفت با نظرات اصولی آخوند خراسانی، تا بدانجا پیش رفته است که حتی در نظرات سیاسی هم، با وی به مخالفت پرداخته است، و شاید همچون شیخ شهید ابتدا از طرفداران آن بوده و بعد از آشکار شدن نیت سوء بعضی از سردمداران آن، به مخالفت علنی با آنان پرداخته است.

۵) ایشان در نهایت در همدان مستقر گردیده و از بزرگان و مراجع علمی آن سامان می شود. البته به این مطلب تنها در گزارش علامه طهرانی اشاره شده است و در منابع دیگر حتی مصادر شهر همدان اشاره ای به این مطلب نشده است.

۶) ایشان برای مدتی در شهر بمبئی اقامت داشته و در این مدت موفق به طبع کتاب مفتاح الجنان میگردد. اگرچه در چاپ های بعدی، تاجران منفعت طلب با توجه به استقبال از کتاب ایشان ادعیه غیر مستند را به آن ملحق کرده اند، که در این باره توضیحات بیشتری خواهیم داد.

۷) شیخ اجازه ایشان مرحوم حاج میرزا محمد حسین حسینی مرعشی حائری می باشد و علامه مرعشی که متولد ۱۳۱۵ ق می باشد موفق به اخذ اجازه از این عالم برجسته گردیده است و اگر ایشان این اجازه را حداقل در ۲۰ سالگی از ملا رحمت الله اخذ کرده باشد می بایست تا حدود ۱۳۳۵ ق این فقیه اصولی در قید حیات بوده باشد.

### شاگردان

در کتاب نام آوران علم و اجتهاد کرمان از دو تن از شاگردان ملا رحمت الله کرمانی یاد شده است:



۱) احمد مجد الاسلام کرمانی متولد ۱۲۸۸ ق که مقدمات دروس حوزوی را نزد ملا رحمت الله کرمانی و حاج عبد الله رایینی فرا گرفت و سپس به اصفهان و تهران رفت و جزء مشروطه خواهان گردید و فعالیت بسیاری نمود تا دستگیر و تبعید گردید. بعد از پیروزی مشروطه خواهان در پایتخت، به تهران آمده و روزنامه «ندای وطن» را منتشر کرد و در سال ۱۳۲۷ از تهران به کرمان بازگشت و پس از یک سال ریاست فرهنگ در سال ۱۳۴۲ ق درگذشت.<sup>۱</sup>

۲) آیت الله سید علی موسوی (۱۲۹۰-۱۳۴۶ ق)؛ وی نیز دروس مقدماتی و سطح را از شیخ رحمت الله کرمانی و شیخ عبد الله رایینی فرا گرفت، سپس به اصفهان رفت و از علمای معروف آنجا چون شیخ محمد تقی نجفی و میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی استفاده کرد، آنگاه به نجف اشرف عزیمت و از سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود، وی به سال ۱۳۲۲ ق به کرمان مراجعت نموده و به امورات دینی و قضاوت پرداخت.<sup>۲</sup>

## تالیفات

### ۱. شرح مرآتی سید بحر العلوم یا وسیلة النجاة (عربی، فارسی)

از یادگارهای ماندگار و مشهور علامه سید مهدی بحر العلوم (وفات ۱۲۱۲ ق)، ترکیب بند آتشین و جانسوز مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام است که در ۱۱ بند سروده است. این اشعار دریایی است موج، که مشحون از آیات و روایات و سیره اهل بیت و مقتل صحیح و مستند، بهمراه ظرایف پیچیده ادبی می باشد. بر این یازده بند شروحنی چند نگاشته شده است که از میان آن شروح، شرح ملا رحمت الله کرمانی ویژگی خاصی دارد و مورد توجه واقع شده است. این اثر تبحر شارح آن را در ادبیات عربی و فارسی به خوبی نمایان می کند. شارح هر بیت را با سه عنوان «اللغة» و «الاعراب» و «المعنی»، شرح لغوی، ادبی و معنایی کرده است. دو بخش اول و دوم به زبان عربی، و بخش سوم که بمنزله ترجمه و شرح

۱ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۳۳۲.

۲ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۱۸۲.

ابیات می باشد، به فارسی نگارش یافته است. وی انگیزه اش را در نگارش چنین شرحی اینگونه بیان می دارد:

«ابیاتی در مرآتی منسوب به سید اجل اورع اتقی بحر العلوم اعلی الله مقامه به نظر رسید. و اعتقاد حقیر آن است که طریقی از برای ذاکر مصیبت، اسلم از خواندن چند بیتی از آنها و بیان مضامین آنها نباشد، به واسطه اطمینان به فرمایشات ایشان و به واسطه غموض لفظی و معنوی در بعضی ابیات، اغلب ذاکرین از خواندن آنها علی وجه الصحة محروم بودند و شرحی که خالی باشد از تطویل ممل و تقلیل مخلّ، و نافع عالی و دانی به نظر نرسید. به خاطر عاشر رسید، شرحی که حاوی جهات مذکوره باشد، بنویسیم و آن را وسیله نجات معاد خود قرار دهیم. آن را اشاره صاحب کار حقیقی دانسته شروع در شرح ابیات مذکوره نمودم...»<sup>۱</sup> شارح از این شرح به سال ۱۲۹۶ ق فراغت یافته است.

ظاهراً این شرح نام خاصی نداشته، ولی علامه طهرانی، به دلالت جمله اخیر از مقدمه شارح، نام آن را وسیلة النجاة نهاده است.<sup>۲</sup> و گذشت که خود ایشان در الکرام البرره اقرار به اشتباه در این نامگذاری می کنند.<sup>۳</sup> و در جایی دیگر نام آن را نجاة المعاد نهاده است.<sup>۴</sup> از این کتاب یک نسخه خطی در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۱۲۲۹ موجود است که به سال ۱۳۱۸ ق استنساخ شده است.<sup>۵</sup>

یک نسخه خطی دیگر هم علامه طهرانی معرفی کرده است، که در کتابخانه شخصی میرعباس قمصری کاشانی وجود داشته است.<sup>۶</sup>

چاپ اول: در تهران، در سال ۱۳۰۰ ق، در ۱۶۰ صفحه، در قطع جیبی و با خط سید احمد بن محمد رضا طباطبایی اردستانی که در ۶ ذیحجه سال ۱۳۰۰ ق نوشته، به صورت سنگی چاپ شده است، این چاپ به دلیل صحت و اعتبار متن و طبع آن در زمان حیات مولف حائز اهمیت می باشد.

۱ شرح مرآتی سید بحر العلوم، ص ۵۸

۲ الذریعة، ج ۵، ص ۸۵

۳ الکرام البرره، ج ۲، ص ۵۳۷

۴ الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۳ و الکرام البرره، ج ۲، ص ۵۳۸

۵ فهرست کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۴، ص ۳۶

۶ الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۳



چاپ دوم: بدون تاریخ، در قطع جیبی، در ۱۶۰ صفحه، که حسب امر آقا میرزا محمد حسین ناظم الشریعه قمی، در مطبعه علمی و اقبال در تهران چاپ سنگی شده است، نسخه ای این چاپ به شماره ۵۰۷۴ در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع بازار تهران موجود است. چاپ سوم: با نام «شرح مرآتی سید بحر العلوم» که توسط آقای حسین درگاهی تحقیق و در ۳۶۴ صفحه، در قطع رقعی و به سال ۱۳۷۶ توسط انتشارات اسوه به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۸ تجدید چاپ شده است.

محقق محترم کتاب مقدمه ای ۵۵ صفحه ای به نام «خون نوشته های در و دیوار کربلا» بر این کتاب نگاشته است و با اینکه تلاش بسیاری نموده، اما به شرح حالی از مولف دست نیافته است. وی در مقدمه، تعدادی از شروح قصیده یازده گانه سید بحر العلوم را معرفی می کند، مثل شرح مبسوط ملا نوروز علی بسطامی و شرح مختصر آن به نام لؤلؤ البحرین و شرح میرزا ابوطالب شیرازی و تعلیقات میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی بر مرآتی بحر العلوم و شرح ملا رحمت الله کرمانی.

ملا رحمت الله کرمانی که خود شاعری چیره دست می باشد، در پایان کتاب تکمله ای را در دوازده بیت بعنوان فصل دوازدهم و ناتمام مرثیه یازده گانه علامه بحر العلوم، سروده و با شرح آن به آخر کتاب ضمیمه کرده است.

محقق محترم کتاب نیز، ترجمه فارسی منظوم بند ملحق را از وفای شیرازی و همچنین اصل متن ترکیب بند علامه بحر العلوم (العقود الاثنا عشر) و همچنین تخمیس ترکیب بند علامه بحر العلوم، تالیف سید حسین طباطبایی (متوفای ۱۳۶۰ ق) که نواده علامه بحر العلوم است، را به آخر کتاب ضمیمه کرده است. همچنین در حاشیه کتاب از سایر شروح مثل دو شرح ملا نوروز علی بسطامی یعنی سفینه النجاة و لؤلؤ البحرین و همچنین شرح میرزا ابوطالب شیرازی و میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی استفاده کرده و بر غنای کتاب افزوده است. تعجب آور آنکه شارح، همه توضیحات لغوی و ادبی ای که در این کتاب به آنها اشاره کرده است، را بدون مراجعه به هیچ کتاب لغت یا کتاب نحوی انجام داده و تنها با تکیه بر حافظه خویش نوشته است، و این نشان از استادی و تبحر و تجربه ی سالیان تدریس در علوم عربی و ادبی دارد.



وی در آخر کتاب شرح مرآتی سید بحر العلوم اینگونه می نگارد:

«فانی کتبتُه مع تشوُّش البال وضيق المجال وغاية الكلال والملا ل وتختلف الاقبال ما به يرتقى على سلّم الكمال ومع ذلك كله، ولم يكن عندي شيء من كتب اللغات ولا من زبر النجاة ... فرغت من تنميته مستغفراً في سنة ١٢٩٦ من الهجرة المقدسة النبوية على مهاجرها آلاف الثناء والتحية»<sup>١</sup>.

## ٢. حاشیه فرائد الاصول (عربی)

یکی دیگر از آثار ملا رحمت الله کرمانی که به زیور طبع سنگی آراسته شده و به حاشیه ملا رحمت الله معروف گشته، حاشیه فرائد الاصول است، که به همراه حواشی دو اصولی بزرگ شیعه، یعنی آیات: شیخ موسی تبریزی و آقا رضا همدانی، به چاپ رسیده است، این اثر تعلیقاتی بر کتاب فرائد الاصول یا رسائل شیخ مرتضی انصاری می باشد.

از آنجا که ملا رحمت الله کرمانی، از شاگردان علامه میرزا محمد حسن آشتیانی که از تلامذه طبقه اول مرحوم شیخ انصاری می باشد، در این حواشی همچون استادش به دفاع از مبانی اصولی شیخ اعظم و تبیین آن، ورد شبهات وارده بر آن، به ویژه اشکالات مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، پرداخته است.

در واقع این شرح، هم امتیاز توضیحات بیانی آراء شیخ انصاری را دارد، که برگرفته از بیانات استادش میرزا محمد حسن آشتیانی در بحر الفرائد می باشد و هم در برگزیده پاسخ به شبهات شاگردان طبقه دوم شیخ اعظم بوده، که در واقع تکمیل کننده بحر الفوائد می باشد.

وی در ۲۲ سوال در سال ۱۳۱۷ ق در تهران از این حاشیه فارغ گردیده است. این حاشیه به سال ۱۳۷۴ ق در قم، در حاشیه کتاب فرائد الاصول، به همراه دو حاشیه دیگر، به چاپ رسیده است. در آخر رسائل محشی، مولف، حاشیه خود را اینگونه به پایان رسانده است:

«... ولله الحمد على التوفيق لاتمام ما حررته هذا الجاني على هذا الكتاب من التعليق المملو من التحقيق. وقع الفراغ منه في ليلة الثاني والعشرين من شهر شوال المكرم في بلدة الطهران المملو من الهموم والاحزان وقد مضت من الهجرة النبوية سبع عشر وثلاثمأة بعد الالف سنة على هاجرها

١ مرآتی سید بحر العلوم، ص ۳۰۸.



آلاف التحية. رحمة الله» و بعد از نام ایشان در حاشیه آمده است: ادام الله افاضاته وافاداته المتعالية» که بیانگر حیات ایشان تا سال ۱۳۱۷ ق می باشد. از این حاشیه نسخه خطی بدست نیامده است.

### ۳. مفتاح الجنان (عربی)

کتاب دیگر ملا رحمت الله کرمانی که حسن سلیقه ایشان را در باب بندی ادعیه و اعمال شرعی مکلفین، نشان می دهد، کتاب مفتاح الجنان است. علامه آقا بزرگ طهرانی این کتاب را در کتاب الذریعة ذکر کرده است، اما به مولف آن دست نیافته است و قولی را نقل می کند که مولف کتاب، شیخ اسداله تهرانی حائری میباشد. نص عبارت ایشان چنین است:

«مفتاح الجنان) في الأدعية والأعمال المتعلقة بالايام والشهور والزيارات وبعض الاوراد والختومات وقد طبع مراراً عديدة، ولا يعرف جامعه، إلا انه أورد فيه بعض ما لم يظهر مستنده، بل بعض ما ليس له مستند قطعاً وقد تعرض شيخنا النوري في اللؤلؤ والمرجان، ونسخه مختلفة بالزيادة والنقصان من مبشري طبعه وقال السيد يحيى امام الجمعة بمشهد الرضا ان مولفه هو الشيخ اسد الله الطهراني الحائري المتوفى بمشهد الرضا سنة ۱۳۳۳ هـ وكان من اصحاب العلامة الانصاري معمرًا بالغاً»<sup>۱</sup>.

اما یادآور شدیم که علامه مرعشی این کتاب را به ملا رحمت الله کرمانی نسبت داده، و اشاره کرده است که ترتیب و جمع این کتاب را مولف در زمان اقامتش در بمبئی انجام داده و به درخواست عده ای از تجار کتاب آن را به طبع رسانده است. متأسفانه ناشران در طبقات اخیر آن، مطالب ضعیفی را در آن وارد کرده اند که مولف از آنها بی خبر بوده است.

ناگفته نماند مرحوم خان بابا مشار هم این کتاب را به ملا رحمت الله نسبت داده است.<sup>۲</sup> همانطور که می دانیم به خاطر ورود مطالب ضعیف و غیر مستند در این کتاب و استقبال چشمگیر آن در میان مردم، مرحوم شیخ عباس قمی بر آن شد که با حفظ شاکله اصلی کتاب،

۱ الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۲۴.

۲ مولفین کتب چاپی ج ۳، ص ۱۰۹۱۰۸.

به تهذیب و تکمیل آن دست بزنند. خود ایشان در مقدمه مفاتیح الجنان اینگونه بیان می دارد: «... بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که متداول شده بین مردم، مطالعه نمایم و آنچه را از ادعیه آن کتاب که سند دارد ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده، ذکر نمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره، که در آن کتاب ذکر نشده، پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده...»<sup>۱</sup>.

از مقدمه ای که مولف بر کتاب شرح مراثی سید بحر العلوم نگاشته بخوبی می توان به حساسیت وی در نقل صحیح و مستند روایات و اخبار پی برد. ایشان در این مقدمه با خرده گیری از نقل مصائب غیر معلومة الوقوع، توسط بعضی ذاکرین، حتی استناد به قاعده «جواز تسامح در ادله سنن» را مجوز بیان اینگونه نقلیات غیر معتبره نمی داند. ایشان هدف خود از شرح این مراثی، که دارای استناد می باشد را اینگونه ذکر می کند:

«... و در ذکر مصیبت آن بزرگوار، خبری که مفید علم به وقوع تفصیل رزیه باشد، معدوم و یا نادرست و جواز تسامح در ادله سنن هم مصحح جواز ذکر مصائب غیر معلومة الوقوع، بدون نقل قول، نیست و نقل اقوال رکیکه صادره از مخالفین، بعد از قطع به قبح عرفی، به اعتبار استلزام اهانت، خالی از شبهه تحریم نیست...»<sup>۲</sup>

در این عبارات نظر ایشان در مورد نقل اقوال ضعیفه به خوبی پیداست، حال با این وصف چگونه می توان تصور کرد که ایشان کتاب مفتاح الجنان را آکنده از ادعیه غیر معتبره کرده باشد و محققاً این اضافات از ناحیه انسان های تاجر منشی به وقوع پیوسته که دین خدا را وسیله دنیای خود کرده اند. چنانچه بعدها همین قصه درباره کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نیز تکرار شده و عده ای بی مبالات، اضافاتی را به آن کتاب ملحق کرده و در نهایت مورد توییح ایشان قرار گرفته اند.

کتاب مفتاح الجنان به سال ۱۳۱۷ ق، در قطع وزیری، در ۴۳۹ صفحه، در بمبئی به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

۱ مقدمه مفاتیح الجنان

۲ شرح مراثی سید بحر العلوم، ص ۵۸

۳ مولفین کتب چاپی، ج ۳ ص ۱۰۸



ملا رحمت الله کرمانی در آخر کتاب شرح مراثنی خود، در ذیل تنبیهی به شرح حال تحصیلی خود می پردازد و صدماتی که در این باره از انسانهای جاهل خورده است، را بیان می نماید که می توان آن را بنوعی وصیت نامه اخلاقی ایشان برشمرد. وی می نگارد:

«تنبیه: اعلم ان بني امية وبني مروان وبني عباس الظالمين لأنتمنا وان فنوا بأشخاصهم وردوا الدرکات باعیانهم لكنهم باقون بنوعهم وامثالهم وأشباههم في كل زمان من الأزمنة، فإنّ اشباه الظالمين لأهل البيت عليهم السلام ناصبون لشیعتهم المخلوقين من فاضل طینتہم المعجونين من ماء ولا یتهم في كل زمان وأوان.

وإیّاك وأن تطمئنّ نفسک الى كل من تلبّس بلباس العباد والزهاد وأن تغترّ بمن تشبه باهل العلم، فان الشیاطین قد یتشکلون بأشكال الأناسي وینفذون في ابدانہم، فیتکلمون بألسنتہم وینظرون بأعینہم ویسمعون بأذانہم وهكذا ولنعم ما قیل بالفارسیة:

ای بسا شیطان آدم رو که هست

پس به هر دستی نباید داد دست

فأني كنت في عنفوان الشباب بتوفيق الملك الوهاب، تاركاً للشهوات النفسانية والهواجس الشیطانية، صارفاً برهة من عمري في تحصیل العلوم، غير مقتصر على فن واحد واجتهدت فيما اجتهدت بعد أن الاقوال في كل مسألة قد عرفتُ وفهمتُ، حتى بلغتُ في زمان قليل، بلغتُ، وارتقيتُ على ما ارتقيتُ فرأيتُ في زمان سيري و سلوكي، من الشیاطین الانسیة المتلبسين بلباس اهل العلم والزهاد والعباد المقرين بالسنتهم، المنكرين في قلوبهم للمعاد، ما رايتُ وسمعتُ ما سمعتُ، فتارةً نسبوني الى العقائد الفاسدة والمذاهب الباطلة، واشتعلت نار حقدہم وحسدہم حتى اولعوا على من شتمني في وجهي فصبرت على ذلك كله قائلاً فيه: الله حسبي، نعم المولى ونعم الوكيل. فمثلهم كمثل الحمار يحمل اسفاراً، صم بكم عمی فهم لا یعقلون، ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة. فوقاني الله من شرهم ولم يجعل لهم الا سواد الوجه في الدارين. الا لعنة الله على القوم الظالمين. يا اخواني الصفاة ويا احبائي الحماة! أنشدكم الله أن تجعلوني غرضاً لسهام الملامة وتنسبوني الى السفاهة والبلاهة، فأني كتبته مع تشوش البال وضيق المجال وغاية الكلال والملال وتحلف الاقبال مما به يرتقى على سلم الكمال ومع ذلك كله، لم يكن عندي

مراثنی  
تأليف: محمد علی کرمانی و سید شمس الدین حسینی  
تصحیح: محمد علی کرمانی و سید شمس الدین حسینی  
تعمیر: محمد علی کرمانی و سید شمس الدین حسینی  
سال: ۱۳۸۷ هجری قمری  
مکان: مشهد

شیء من كتب اللغات ولا من زبر النجاة. فان اطلعتهم على زله والتباس فاجعلوا على الانصاف الاساس، فان الوسواس الخناس يوسوس في صدور الناس»<sup>۱</sup>.  
 شایان ذکر است که علامه روضاتی در تعلیقاتشان بر طبقات الشیعة علامه طهرانی، شیخ رحمت الله کرمانی را مصحح یکی از چاپ های کتاب مفتاح الجنان معرفی کرده است.<sup>۲</sup>  
 اما چنانچه گذشت علامه مرعشی وی را مولف این کتاب دانسته که در زمان اقامتش در بمبئی به چاپ رسانده است.<sup>۳</sup>

## ۲- میرزا محمود اهری نجفی

یکی دیگر از اساتید و مشایخ روایی علامه مرعشی نجفی، عالم جلیل القدر و فقیه و اصولی و محقق و عارف و متکلم و ریاضیدان و هیوی بزرگ شیعه، آیت الله میرزا محمود اهری نجفی میباشند. از حیات علمی این عالم فرهیخته جز اندکی که برخی را علامه مرعشی گزارش کرده است چیزی نمی دانیم.

وی در نجف اشرف شاگرد علمایی همانند آیات عظام: آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی و دیگران بوده و از آنها اجازه روایی داشته است.<sup>۴</sup> وی مدرس ریاضیات قدیم در نجف بوده و علامه مرعشی نام وی را در شمار اساتید خود را در ریاضیات ذکر می کند.<sup>۵</sup> همو سال وفات استادش را حدود سال ۱۳۴۱ ق و محل وفات و دفن وی را نجف اشرف می داند.<sup>۶</sup> اما علامه طهرانی وفات وی را سال ۱۳۳۶ ق گزارش کرده است.<sup>۷</sup>

## آثار علمی

این مولف گرانقدر دارای آثاری در حوزه ی اصول فقه، ریاضیات، هیئت، فلسفه و عرفان می باشد که عبارت اند از:

۱ شرح مراتی سید بحر العلوم، ص ۳۰۸ ۳۰۷.

۲ تعلیقات طبقات الشیعة، ص ۵۰۱

۳ رسائل المحشی، ص ۱ و موسوعة العلامة المرعشی، ج ۳، ص ۱۱۴

۴ شهاب شریعت، ص ۱۳۶، الاجازه الکبیره، ص ۲۱۹.

۵ شهاب شریعت، ص ۱۳۶.

۶ الاجازه الکبیره، ص ۲۱۹.

۷ همان، ص ۲۱۹.





- ۱) حاشیه بر کفایه الاصول استادش مرحوم آخوند خراسانی<sup>۱</sup>.
- ۲) رساله اثبات الواجب که به سبک اثبات الواجب ملا جلال الدین دوانی نوشته شده است<sup>۲</sup>.
- ۳) شرح خلاصه الحساب شیخ بهایی<sup>۳</sup>.
- ۴) الرد علی شطحات محی الدین العربی فی الفتوحات المکیة والفصوص. این اثر ردیه ای است بر نظرات عارف بزرگ اسلامی محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی در دو کتاب فتوحات مکیه و فصوص الحکم<sup>۴</sup>.
- ۵) شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی<sup>۵</sup>.
- ۶) اخلاق الاهری یا رساله فی السیر والسلوک، به زبان عربی. علامه طهرانی این چنین کتاب را گزارش می کند:
- «اخلاق الاهری لمیرزا محمود الاهری النجفی المتوفی بها سنه ۱۳۳۶، فسلك فيه مسلک العرفاء، اوله: (الحمد لله العیم الحکیم ...)، رتبه علی فاتحه و واسطه و خاتمة. الخاتمة فیما فتح و فاح من نسایم الملکوت علی شمایم الناسوت فی معنی السفر و مغزی السیر، رایته عند تلمیذه السید شهاب الدین المشهور بآقا نجفی التبریزی نزیل قم الآن»<sup>۶</sup>.
- از این گزارش بر می آید که وی دارای گرایشات عرفان شیعی بوده است، اگرچه در این مسیر به نقد تراوشات فکری عرفایی چون ابن عربی نیز پرداخته است. متأسفانه از اساتید علوم عقلی و عرفانی ایشان اطلاعی نداریم. دیگر آنکه، اگر چه نسخه ی این کتاب را ایشان در نزد علامه مرعشی دیده است، اما اثری از آن در کتابهای فهرست شده فعلی این کتابخانه دیده نمی شود و شاید در آینده ردی از این اثر به دست آید. علامه طهرانی در جایی دیگر اسم این رساله را رساله فی السیر والسلوک نامیده است<sup>۷</sup>.

۱ شهاب شریعت، ص ۱۳۶، الاجازة الکبیره، ص ۲۱۹.

۲ شهاب شریعت، ص ۱۳۶.

۳ الاجازة الکبیره، ص ۲۱۹.

۴ همان.

۵ همان.

۶ الذریعه، ج ۱، ص ۳۷۲.

۷ همان، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

### ۳- ملا محمود بیدگلی کاشانی

یکی از اساتید و مشایخ روایی علامه مرعشی که متاسفانه در کتابهای الاجازة الكبيرة و المسلسلات فی الاجازات و موسوعة العلامة المرعشی ذکرى از وی بمیان نیامده است، فقیه زاهد و عابد، ملا محمود بن محمد رضا بیدگلی کاشانی متوفای ۱۳۵۰ ق می باشد.

علامه سید محسن امین عاملی در کتاب گرانسنگ اعیان الشیعة از وی چنین یاد میکند: «الملا محمود بن محمد رضا البیدگلی الكاشانی، توفی ۱۳۵۰. کان عالماً فقیها زاهدا عبدا تقیا مرجعا فی الشرعیات ببلده بیدگل من نواحي کاشان. یروي بالاجازة عن المیرزا حسین النوری ویروي عنه السید شهاب الدین النجفی الحسینی»<sup>۱</sup>

شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب شریف الذریعة در باره کتاب وی می نگارد: «(بی طرف) فارسی روایی للحاج المولی محمود بن محمد رضا الكاشانی البیدگلی المتوفی سنه ۱۳۵۰. فیہ ابطال طریقة الصوفیة المتاخرة الجنابذیة والنسخة خط المؤلف عند تلمیذه السید شهاب الدین التبریزی»<sup>۲</sup>

آیت الله حاج سید عزیزالله امامت در کشکول خود صاحب ترجمه را چنین توصیف می نماید:

«معظم له از علمای بزرگ بیدگل از توابع کاشان، عالمی جلیل، فاضل و نبیل بود که اجازة از جمعی از فحول علما داشته است. صاحب ترجمه در سال ۱۳۵۰ ق در موطن خود وفات یافت و در جوار امامزاده هادی واقع در بیدگل دفن گردید»<sup>۳</sup>.  
آیت الله سید محمد علوی بروجردی کاشانی در تاریخ وفات وی سروده است:

دردا که رفت ازاین دار سپهر تایید  
کان کمال و دانش سردفتر اساتید  
کان کمال و دانش سردفتر اساتید  
محشور با سمی اش اندر جهان جاوید

۱ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲ الذریعة، ج ۳، ص ۱۹۰.

۳ کشکول، ج ۲، ص ۳۰۶.



معظم له از ملا محمدعلی عاملی وحاج میرزافخرالدین نراقی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی موسس حوزه علمیه قم اجازه داشته است.<sup>۱</sup>

فاضل محترم آقای سپهری در کتاب علما و دانشمندان کاشان دو شخصیت همنام را متعرض میشود که هر دو به سال ۱۳۵۰ ق فوت شده اند که نام پدر یکی «محمدحسین» و دیگری را «محمدرضا» ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

البته به نظر میرسد هر دو یک شخصیت باشند چرا که دو عنوان در نام و شهرت و سال وفات و تلمذ علامه مرعشی نزد ایشان واخذ اجازه، مشترک می باشند و بعید می نماید که که دو شخصیت مستقل باشند.

در کتاب جغرافیای شهرستان آران و بیدگل به نقل از کتابچه چراغان و تاریخچه علم و ادب آمده است:

«ملا محمود فاضل بیدگلی (۱۲۶۳-۱۳۵۰ ق) فرزند محمد حسین از علما و فضیلاب بیدگل است که رساله ای در اثبات ولایت امیرالمومنین (ع) و شرح برمفاتیح از آثار اوست و مدفن وی در در بقعه شاهزاده هادی بیدگل است.<sup>۳</sup>

۱ علما و دانشمندان کاشان، ص ۷۱۳-۷۱۴.

۲ علما و دانشمندان کاشان، ص ۷۱۳، ۷۱۵.

۳ جغرافیای شهرستان آران و بیدگل، ص ۹۷.



- اثر آفرینان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷-۱۳۸۰.
- الاجازة الكبيرة، آية الله المرعشي النجفي، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۳۸۹.
- اختران فقاہت، ناصرالدين انصاری قمی، انتشارات دليل ما، ۱۳۹۲.
- ايعان الشيعة، سيد محسن امين عاملي، بيروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
- تعليقات طبقات اعلام الشيعة، محمد علي روضاني، تهران، كتابخانه مجلس، ۱۳۹۱ ش.
- جغرافیای شهرستان آران و بیدگل، نسرین نیک اندیش، کاشان، مرسل، ۱۳۸۸.
- دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر حکمت، ۱۳۹۲.
- دانشنامه شعر عاشورائی، مرضیه محمدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸.
- الذريعة الى تصانيف الشيعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۵۵-۱۳۵۶.
- رسائل المحمّی (حواشی آقا رضا همدانی و میرزا موسی تبریزی و شیخ رحمت الله کرمانی)، قم، ۱۳۷۴.
- شرح مراثی سید بحرالعلوم، رحمت الله کرمانی، تحقیق: حسین درگاهی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶.
- شهاب شریعت، علی رفیعی علامرودشتی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱.
- طبقات اعلام الشيعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، تحقیق: علی نقی منزوی، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- علما و دانشمندان کاشان، حسن سپهری، کاشان، سوره تماشاء، ۱۳۹۱.
- فرهنگنامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان، دکتر رضا کردی، مرکز کرمان

شناسی، ۱۳۸۹.

فهرستواره دنا، مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.  
فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد اشکوری، قم مرکز  
احیاء میراث اسلامی.

کتابهای فارسی شده چاپی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

کشکول امامت، عزیزاله امامت کاشانی، قم، بصیرتی، ۱۳۵۷.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، ۱۳۵۲.

مع موسوعات رجال الشيعة، سید عبدالله شرف الدین، بیروت، دارالارشاد، ۱۹۹۱.

موسوعة العلامة المرعشی، باهتمام محمد اسفندیاری و حسین تقی زاده، قم، مکتبه

آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۹.

موسوعة مؤلفی الامامیة، قم مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۱.

مؤلفین کتب چاپی، خان بابا مشار، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین، ۱۳۴۰-۱۳۴۴.

نام آوران علم و اجتهاد کرمان، مجید نیکپور، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی،

۱۳۸۲.